



حجت الاسلام پارسانیا: فقه روشمندترین علم تاریخ بشری است/ تکثر در معنای علم

حجت الاسلام پارسانیا گفت: نباید معنای مدرن و پوزیتیویستی علم را مطلق در نظر گرفت. مشکل جامعه ما این است که یک معنا از علم را مطلق کرده و همان معنا را اصالت می دهد.

حجت الاسلام پارسانیا گفت: نباید معنای مدرن و پوزیتیویستی علم را مطلق در نظر گرفت. مشکل جامعه ما این است که یک معنا از علم را مطلق کرده و همان معنا را اصالت می دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، سومین نشست آسیب شناسی علوم اجتماعی اسلامی به همت انجمن علمی علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران با حضور حجت الاسلام پارسانیا برگزار شد.

حجت الاسلام پارسانیا با بیان اشکالی در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: اشکالی مطرح است که می گوید از سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در ماجرای انقلاب فرهنگی، مسئله تولید علوم انسانی اسلامی وجود داشته و رهبران عالی این نظام سیاسی، همواره از این ایده دفاع کرده و به عاملان و هواداران آن، بودجه های آنچنانی اختصاص داده اند. با این حال تاکنون معرفتی با عنوان علوم انسانی اسلامی پدید نیامده است. از این وضعیت دیرینه می توان به سادگی نتیجه گرفت که علوم انسانی اسلامی مقوله ای ناممکن و ممتنع است و تداوم این مسیر نیز هیچ ثمری نخواهد داشت.

وی در پاسخ به این اشکال عنوان کرد: من این سوال را اینگونه مطرح می کنم که آیا علوم اجتماعی اسلامی وجود نداشته است؟ و ما تازه می خواهیم آن را ایجاد کنیم؟ اولاً در مورد اینکه علوم اجتماعی اسلامی نداشته ایم نظر بنده این است که مسلمانان توانسته اند در تاریخ جهان اسلام علوم اجتماعی مربوط به خود را ایجاد کنند و آن را تداوم بخشند.

وی با بیان اینکه چارچوب های علمی مدرن اجازه نمی دهد مفاهیم علمی فرهنگ دیگر دیده شود گفت: علم مدرن تعریفی را ارائه می دهد که هویت جدیدی به دست می دهد و ما از منظر این مفاهیم جدید می خواهیم سوال خود را مطرح کنیم.

پارسانیا افزود: ملکم خان می گفت از عقلاً خواهش می کنیم در دانش های غربی تصرف نکنند. او می گوید صدها سال است که غربی ها این دانش ها را تولید کرده اند و ما باید همان را عمل کنیم و نباید در آن اعمال سلیقه کنیم.

وی ادامه داد: وقتی بحث از علوم اجتماعی اسلامی می شود در درجه اول معنای علم مفهوم می باید که آیا منظور معنای کنونی، پوزیتیویستی و یا... است؟ این در حالی است که علم در جهان اسلام مفهوم دیگری داشته است. بحث بر سر این است که اگر می گوییم باید علوم اجتماعی مربوط به خود را داشته باشیم، معنای علوم اجتماعی و معنای علم در اینجا چیست؟

وی گفت: اگر شما معنای مدرن و معنای پوزیتیویستی را مطلق در نظر بگیرید، این معنا را از علم در جهان اسلام و حتی در برخی قرون در خود غرب هم نداشته ایم. مشکل جامعه ما این است که یک معنا را مطلق کرده و همان معنا را جست و جو می کند.

پارسانیا با بیان اینکه ادعای علوم اجتماعی اسلامی این است که ابتدا در مورد خود معنای علم و روش علم صحبت می کند، گفت: در مورد معنای علم در قرن بیستم تطورات و تفسیرهای مختلفی را می بینید و جهان اسلام هم تعریف خود را داشته است. یکی از کلمات پرکاربرد که در قرآن به کار رفته کلمه علم است.

وی ادامه داد: در مورد معنای علم در غرب تکثر وجود دارد و جریان های مختلفی در این مورد به وجود آمده و هر یک علم اجتماعی مربوط به خود را به وجود آورده است.

پارسانیا افزود: متأسفانه ما معنا و مفهوم مدرن از یک مقطع خاص تاریخ در مورد علم را اصالت می دهیم. علم اجتماعی بوده و هست اما این چشم ها به دلیل مطلق کردن مفاهیمی که در جغرافیایی دیگر به دلیل عوامل اجتماعی و... بر ما

مسلط شده است، نمی تواند ببیند.

وی ادامه داد: باید گفت فقه روشمندترین علم تاریخ بشری است. اما وقتی معنای پوزیتیویستی علم را به عنوان علم در نظر می گیرید دیگر فقه را علم نمی دانید.

این استاد دانشگاه گفت: در حوزه امور اجتماعی کلان، چون شیعه در اقلیت بود بر خلاف فقه اهل تسنن که فقه سلطانیه دارد به بحث اداره حکومت نتوانسته بپردازد. لذا فقه ما عموماً سلبی بوده است. ما باید نسبت به داشته های خود نگاه انتقادی داشته باشیم و از آن عبور کنیم اما به این معنی نیست که اصلاً علوم اجتماعی اسلامی نداشته ایم.

وی ادامه داد: علم در نزد ابن خلدون به معنی آنچه غزالی از علم می گوید کار می کند نه به معنای کنتی آن. شیعه در طول تاریخ تقیه و طوریه را پروانده است و دانشی را تولید کرده به درد زیستن در اقلیت می خورده است چون عملاً در اقلیت بودند و بحث ولایت فقیه در آن مقاطع زیاد بسط داده نمی شود چراکه به لحاظ تاریخی محدود بوده است.

وی افزود: بر فرض که ما بخواهیم تازه علوم اجتماعی اسلامی را تولید کنیم. شما در غرب می بینید که عبور از قرون وسطی چقدر طول کشید. چگونه این سوال معیاری را در نظر می گیرد که می گوید گذشت دو یا سه دهه از انقلاب را دلیلی بر این امر می گیرد که تولید علوم اجتماعی اسلامی نشدنی است؟

این استاد دانشگاه با بیان اینکه عدم تحقق یک امری، دلایل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... دارد گفت: به یاد دارم که اساتیدی واحدهای یک رشته را تغییر دادند و مقاومتی از سوی عده دیگری از اساتید صورت گرفت. یک سری از مقاومت ها از این حیث بود که برخی می گفتند اگر فلان درس حذف شود دیگر کتاب های ما &ndash که به عنوان منبع مطرح بود- خرابه نمی شود! لذا همه عوامل عدم تحقق، معرفتی نیست.

پارسانیا گفت: این در حالی است که در همین دو یا سه دهه کارهای زیادی انجام شده است و رساله هایی در این باب تدوین شده است. حال کسی نمی خواهد این را ببیند بحث دیگری است.

این استاد دانشگاه با بیان اشکال دیگری در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: اشکال دیگری می گوید قائلان به علوم انسانی اسلامی از یک سو، علوم انسانی غربی را ذاتاً مسموم می دانند و از سوی دیگر تصریح می کنند که قائل به استفاده از مفاد آن هستند. ظاهراً این دو تلقی با یکدیگر سازگار نیستند؛ آنچه را که ذات و جوهر مسموم دارد را نمی توان مصرف کرد، چون سم در تمام اجزای آن رخنه کرده است. علوم انسانی غربی یک کلیت به هم پیوسته و در هم تنیده است که نمی توان آن را تجزیه و تفکیک کرد و پاره ای از آن را برگرفت و پاره ای را وا گذاشت.

وی در پاسخ به اسن اشکال گفت: این اشکال از یک تشبیه استفاده می کند که نه تشبیه آن درست است و نه همه قائلان به علوم انسانی اسلام یاز این تشبیه استفاده می کنند.

وی ادامه داد: هر مقدار که خطا در سازه های علمی باشد قابل ساختار شکنی هست و امکان یک نوع بازسازی و بازخوانی از آن وجود دارد و در تحولات فرهنگی و تاریخی علم این مسئله رخ داده است. جهان غرب یک بار از علوم جهان اسلام استفاده کرد بدون اینکه گزینش کند و بار دوم گزینش کردند. ما هم از علوم غرب دو بار استفاده کردیم که یکی صدر اسلام به صورت گزینشی بود و دومی امروز است که گزینش نمی کنیم.

وی افزود: امیرالمومنین می فرماید شبهه از این جهت شبهه است که حقی را با باطل در می آمیزند. اینکه علم پوزیتیویستی می خواهد فقط به حس تاکید کند و نقطه مواجهه با عینیت را حس در نظر بگیرد، این مطلق کردن اشتباه است. منتهی باید گفت در دانش های تجربی حس جایگاه خود را دارد.

پارسانیا گفت: رویکردهای مختلفی که درباره علم وجود دارد به این معنی نیست که هیچ عنصری از حقیقت در آنها نباشد. هیچ کس نیست که هیچ مواجهه ای با حقیقت نداشته باشد بلکه در تصرفی که در آن می کند دچار خطا می شود.

وی ادامه داد: مسموم بودن علوم انسانی غربی به این معنا صحیح است که اگر کسی آن را یکپارچه ببلعد، هلاک می شود. لذا به این معنی نیست که عناصر قابل استفاده نداشته باشد. علوم انسانی اسلامی منابع معرفتی متکثر را مانند حس، عقل و... به رسمیت می شناسد و اجازه نمی دهد هریک از آنها مطلق شود.

این استاد دانشگاه افزود: علوم انسانی غربی کلیت در هم تنیده ای است اما اینکه قابل تجزیه نباشد، اینگونه نیست.

پارسانیا با طرح اشکال دیگری در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: اشکال دیگری می گوید عده ای دعوت به اقتباس علوم انسانی از قرآن کریم می کنند در حالی که علوم انسانی تنها بر روش تجربی مبتنی است و گزاره هایی که اعتبار و حجیت آن ها مبتنی بر وحی است، قابل به کار بستن در علوم انسانی نیست.

وی در پاسخ به این اشکال گفت: این شبهه معنای پویایی علم را مطلق کرده است. یعنی اینکه معرفت علمی، معرفت آزمون پذیر باشد که روش مخصوص به خود را دارد و آنچه آزمون نشده اند را علم نمی دانند.

وی ادامه داد: اگر معنای علم این باشد، مسلمان بودن هم زیر سوال می رود چون کلام و اعتقادات ما معنای دیگری می یابد.

وی افزود: اگر شما بخواهید نگاه قرآنی داشته باشید از روش تجربی هم استفاده می کنید. باید گفت اینگونه نیست که فقط و فقط گزاره های آزمون پذیر، علم باشد. اینکه گفته شود گزاره های آزمون پذیر علم اند، خود یک اعتقاد است و بر اساس یک عقیده شکل گرفته لذا خود را نقض می کند.

وی گفت: هر بخشی از علم با وحی، نقل، عقل، تجربه و... مشخص می شود که تعامل هریک از آنها با هم بحث های بعدی را به وجود می آورد.

وی در بیان اشکال دیگری در مورد علوم انسانی اسلامی گفت: اشکال دیگر می گوید نظریه پردازان علوم انسانی اسلامی تصریح کرده اند که مقصودشان از تاکید بر تولید علم، بهره گیری از آن در راستای تحصیل اقتدار در ابعاد ملی و تمدنی است (العلم سلطان) به این ترتیب منتقدان اشکال می کنند که دغدغه ایشان کسب قدرت است نه شناخت حقیقت.

پارسانیا در پاسخ به این اشکال گفت: این اشکال را کسی بیان می کند که برای علم ذات قائل است مانند پوزیتیویست ها. یکی پراگماتیست نمی تواند این چنین اشکال کند. فوکو نیز نمی تواند این چنین اشکال کند چرا که او قائل به این است که علم برساخته اقتدار است.

وی ادامه داد: یک موقع فوکوپی بحث می کنیم که هویت علم با سیاست گره خورده است و علم از ارزش تهی شده و ابزاری است. در جهان مدرن، علم معنای تجربه پیدا کرده، عقلانیت ابزاری و معطوف به هدف به وجود آمده است. لذا علم وسیله تسلط شیء به عالم می شود.

این استاد دانشگاه گفت: علم و قدرت هریک مفهومی وجودی است. هر چه علم قوی تر شود، قدرت هم قوی تر می شود. اسماء و صفات الهی ذاتاً عین هم هستند ولی مفهوماً متفاوت اند.

وی در پایان گفت: علم دارای مراتبی است. حقیقت علم که علم شهودی است این است که شما با معقول خود متحد می شوید.